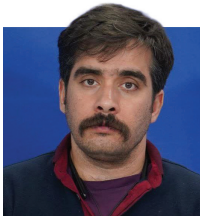
# کارآمدی، هم‌سیاسی هم‌سیاستی



**سیدحسین موسوی**

پژوهشگر سیاست و مسائل ایران

کارآمدی دولت، گاه مفهومی است که میانِ پارادایم‌های کلان فلسفه سیاسی بر سرش اجماعی صورت نمی‌گیرد. با این حال به‌نظر می‌رسد که هر دولتی واجد کارویژه‌هایی است که مجموعاً بتواند سامانِ عمومی نسبتاً مطلوبی را برای شهروندان خویش فراهم آورد. با این حال، نکته حائز اهمیت این است که کارآمدی امری منوط و متوقف به دولت‌ها نیست.

به تعبیر دیگر، اندیشه «دولت‌محور» به تنهایی نمی‌تواند بر کارآمدی دولت بیفزاید. مطابق خوانش‌های متأخر از دولت، دولت با جامعه درهم‌روی دارد؛ حال آنکه در خوانش‌های کلاسیک گفته می‌شد دولت، اعمال قانونی و مشروعِ زور بر پهنه‌ای سرزمینی است و به یک معنا بر جدایی میانِ دولت و جامعه تأکید می‌شد. درهم‌روی جامعه و دولت به این معناست که حتی در صورت تضاد دولت و ملت در نظریات متفکرانی همچون کاتوزیان، این دو نمی‌توانند از هم جدا باشند. این درهم‌روی، به یک معنا امری ضروری است که جامعه را بی‌دولت، و دولت را بدون جامعه، همچون امری ناقص الخلقه در نظر می‌گیرد.

نکته حائز اهمیت این است که در بحث کارآمدی دولت معمولاً به دو نکته توجه می‌دهند: بوروکراسی و دموکراسی. فن‌سالاران تلاش می‌کنند تا دولت را به قسمی امور تکنیکی و فنی تقلیل دهند که طبقه مدیران یا کارشناسان آن را اداره می‌کنند. در این رویکرد، تلاش می‌شود تا دولت فاقد وجه هنجاری نشان داده شود و صرفاً مقوله‌ای خنثی به سازوکارهای بوروکراتیک و مهندسی فروکاسته می‌شود. در رویکرد دوم عکس چنین وضعیتی صادق است. دموکراسی‌خواهان تلاش می‌کنند تا در اتخاذ استراتژی‌های سه گانه خروج، اعتراض و وفاداری، ایده و نهادِ دولت را به صرفِ صف‌آرایی و تقابل گروه‌ها و اکستریم‌های سیاسی فروبکاهند و در حقیقت دولت را برآمده از امرِ مبارزاتی تلقی می‌کنند. درحالی که دولتِ کارآمد، که قرار است در خدمت خیر عمومی ایفای نقش کند، به مقوله‌ای صرفاً تضادی فروکاستنی نیست؛ ای بسا قاطبه مردم و گروه‌های اجتماعی

متکثر در وضعیتِ قطبی‌شدگی سیاسی و اجتماعی، متضرر نبردهای بی‌پایان شوند.

با این حال، به نظر می‌رسد که کارآمدی دولت، منوط به تلفیق و ترکیب همین دو رویکرد است. از سویی مقصود از دولتِ دموکراتیک، قسمی دولت است که واجد شمولیتی عادلانه است. اگرچه در نظریات دموکراسی، دولت‌های اولترادموکراتیک از حیث کارآمدی و چابکی نقد می‌شوند، با این حال با توجه به کثرت نیروهای اجتماعی، به ویژه در ایران، نیاز به دولتی خواهیم داشت که حوزه‌های متنوع عدالت از حیث قومی، جنسیتی، طبقاتی و ... را دربرگیرد. دولتِ دربرگیرنده در این معنا، دولتی است مستقل از هژمونی طبقات یا منزلت‌های خاص اجتماعی؛ و تلاش می‌کند تا برآیند نبردهای اجتماعی باشد، بی‌آنکه امکانی برای ستمگری اجتماعی گروهی بر گروه دیگر ایجاد کند. اما چنین دولتی، نمی‌تواند از تکنیک برکنار بماند. در واقع دموکراسی‌خواهی راهی ندارد جز آنکه به نهادهای اجتماعی و فرهنگی، که ریشه در تاریخ طولانی ایران دارند، اعمال شود. سازمان‌های اجتماعی مردم در نسبتی تکنیکال با هم قرار دارند و صرفِ طرح دعوی‌های پارادایمی نمی‌تواند دولتی کارآمد خلق کند. در اینجا نیاز مبرمی به داده و آمار وجود دارد تا بهینه‌ترین حالتِ ممکن از دولتِ کارآمد، امکانِ استقرار یابد. کوتاه

**دولتِ کارآمد، لزوماً یک دولتِ برآمده از اصلاح یا انقلابی ناگهانی نیست، بلکه دولتی است طولانی که توسط کنش‌های کارشناسان، مدیران، سیاست‌مداران و خودِ مردم، به مرور ساخته و ویرایش می‌شود.**

سخن اینکه ایرانیان باید خود را متعلق به چنین دولتی احساس کنند و در عین حال، سازوکارهای تکنیکی تعارض و تعامل میانِ گروه‌های اجتماعی را مد نظر داشته باشند. در این صورت، دولتِ کارآمد، لزوماً یک دولتِ برآمده از اصلاح یا انقلابی ناگهانی نیست، بلکه دولتی است طولانی که توسط کنش‌های کارشناسان، مدیران، سیاست‌مداران و خودِ مردم، به مرور ساخته و ویرایش می‌شود.